



سال اول - شماره ۲۶ - پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۵۹ - انتشاره ۱۰۰ ریال

راه حل ریشه‌ای و اجتماعی مسأله‌ی اعتیاد

در سرمقاله‌ی چند روز پیش پرسیدیم که آیا اقدام‌ها می‌توانند راه حل اجتماعی، نهائی و اساسی مسأله اعتیاد تلقی شوند؟
این سوال در محافل مختلف، بحثهای گوناگونی بر-
بقیه در صفحه ۲

علی (ع) آیه‌ی پرشکوه پایداری

۲۳ سال قبل از هجرت روز سیزدهم رجب، در خانواده‌ی ابیطالب عموی پیغمبر، در مکه، کودکی دنیا آمد که او را علی نام نهادند. قطعی حاکم بر عربستان و فقر و محرومیت خانواده‌ی ابیطالب باعث شد که پیامبر بیماری عمویش بشتابد، و علی را به عضویت خانواده‌ی خود در آورد.
علی (ع) از این پس در خانه‌ی ناآرام و شورشگر پیغمبر (ص)، بقیه در صفحه ۴

مروری کوتاه بر دادگاه کمالی شکنجه‌گر

مقدمه - در چند روز اخیر شاهد برگزاری دادگاه یکی از شکنجه‌گران معروف ساواک به نام فرحانه کمانگر (معروف به دکتر کمالی) بوده‌ایم. طبیعتاً برای کسانی که از نزدیک با این بازجو و شکنجه‌گر آشنا بوده‌اند (شکنجه شده‌ها) و مردمی که به این مسئله دی علاقه‌اند حرم مقدس این سنگر آزادی با طرح یک توطئه ارجانب احصارطلبان، مورد حمله و هجوم ناخواندانه جناب - بقیه در صفحه ۲

انجمن ها و دفا ترهما هنگی دان شجویان
مسلمان دان نشگا هها و مدارس عالی کشور:

هشدار در مورد به تعطیل کشاندن دانشگاهها

سام خدا
بدسال حوادث و وفایعی که درماه گذشته در دانشگاهها به وقوع پیوست و تحت عنوان انقلاب فرهنگی، موجودیت و

مجاهدین خلق ایران

برادر مجاهد مسعود رجوی رابرای پاسخگویی به اتهامات رادیویی معرفی می نمایند

سام خدا

سام خلق قهرمان ایران

مدیر عامل صدای جمهوری اسلامی، آقای فراحی محترماً - یکشنبه شب چهارم خردادماه رادیو در دو سوت ضمن باصطلاح تحلیل!! از شهیدای بی‌سنگداز سازمان مجاهدین خلق ایران، اتهامات موهن فراوانی، شایر شده و سازمان ماسعود.

آنگاه دوشنبه شب پنجم خرداد ماه سیر عین همین برآمد، به منزله‌ی دهن کجی شریبانه‌ی دیگری بر علیه شهید، نامی سوابق خوسار سازمان مجاهدین خلق ایران تکرار شد.

بدیهی است که این نحوه‌ی برخورد که جز به قصد تصفیه حساب های گروهی و افزایش حدائثی‌ها و تفرقه‌ی ملی صورت می‌گیرد نتیجتاً تاقص و بحرفات مسئولیت شما در این دستگاه است. مسئولیت ایجاد وحدت و تفاهم و محبت بخشیدن صدا و سیما‌ی جمهوری اسلامی ازینفاقی افکنی‌های صد اسلامی و صد انقلابی که به هنگام انتخاب جماعتی بر آنها تاکید شده‌بود.

علیهذا مجاهدین خلق ایران با معرفی برادر مجاهد مسعود رجوی بدین وسیله تقاضا می‌کنند که پاسخهای ما نیز به همان مدت به عرض ملت ایران رسیده و در معرض دادرسی عموم مردم قرار گیرد.

بی تردید این یک تقاضای قانونی، اسلامی و انقلابی است که علی القاعده تهیه کنندگان برنامه‌ی کذابی نیز در صورت پایبندی به شرف انسانی و اسلامی نمی‌بایست با آن مخالفت ورزند، مگر اینکه بخواهند که گمان در مسیبرامیرالیسم و استعمار که هم‌اکنون افزایش تفرقه و تشنج است گام بردارند.

سایر این انتظار می‌رود تهیه کنندگان برنامه‌ی مزبور را محاب فرمائید تا چنانچه منتهای خالی از منطق و استدلال اسلامی ندارند ترتیبات بخش برنامه‌ی جوابیه را توسط برادر ما فراهم نمایند.

تصدیق می‌کنید که در غیر این صورت مأموریت و مسئولیت شما را مبنی بر ایجاد تفاهم و وحدت پیشاپیش باید شکست خورده دانست.

با تشکر مجاهدین خلق ایران
رومونت : دفتر ریاست جمهوری
شورای انقلاب
مجلس شورای ملی
۵۹/۲/۵

دیدار برادر مجاهد مسعود رجوی با برادر محمود باقی پور در مرکز آمداد پزشکی

می‌برند. در اینجا برادران مسعود در مورد امکان اسکله اندامی صورت گیرد. تا بلکه جسم سلامتی خود را بازبازند (ملا اعزام به خارج) سوال کرد که محمود در جواب گفت برادران همدی تلاش خود را بقیه در صفحه ۳

دستگیری و ضرب و جرح به اتهام شرکت در مراسم ۴ خرداد

مناسبات بین رهبری و توده‌ی مردم (۲)

خطاب به گردانندگان و برنامه‌سازان ضد - مجاهد رادیو تلویزیون: سمپاشی‌ها و حملات یکجانبه و ناجوانمردانه‌ی شما به سازمان مجاهدین و آید تلویزیون آن جز نشان انحطاط و ضعف خود شما نیست.

همان مارکها و برجست های که آقایان همیشه حاضر و آماده در آستین دارند) سزار مجاهدین خلق ایران شد. همه می‌دانند که تنها - حامی از این فیمل بر علیه اندولوزی سازمان، برای ما بقیه در صفحه ۵

مردم و مجاهدین

خواهران و برادران عزیز قبل از طرح مسئله‌ی این هفتدهان به چند نامی ربر با دقت توجه کنید:
● خواهری از تهران برامان نوشته است: "فکر می‌کنم سازمان دارد یک مقدار راست روی می‌کند. ما نمی‌توانیم این اختلاف کلی را که با این دستگاه داریم، ربر با نگذاریم. چرا باید این قدر ساکت بنشینیم که هر ازاجتی که دلنمان خواست مخصوص در مورد یکی از اعضای رهبری سازمان بگویند و او را به همکاری با طاغوت مهیم کنند و ما هیچ حرف نزنیم. آن روزی که آن نوشته از طرف حزب جمهوری منتشر شد تا صبح گریه کردم. دلم می‌خواست تمام بندهای را که بقیه در صفحه ۳

از دیدگاه علی (ع)

مقد مهای درباره‌ی نقد مقاله‌ی آید تلویزیون "مجاهد" از صدای جمهوری اسلامی

پس از استار اولس قسمت این بحث در مجاهد سبب تکرار شد، با غیرات سه‌سده‌ی هفتدی گذشته، صدای جمهوری اسلامی طی برنامه‌ی تحت عنوان " بررسی منطوب - عاب" در تاریخ ۵۹/۲/۳۰

حرف مطالب و سواستعدادار

بقیه از صفحه اول

راه حل ریشه‌ای و اجتماعی مسأله‌ی اعتیاد

انگیزت، یکی از بحث‌ها این بود که آیا نباید در قبال قاچاقچیان مقصودت عمل و قاطعیت نشان داد؟ از سوی دیگر همچنانکه از قبل قابل پیش‌بینی بود، جستجوی راه‌حل ریشه‌ای و اجتماعی برای حل مسئله‌ی اعتیاد و قاچاق مارهم دستاویزی شد برای تبلیغ و سمیاتی بر علیه مجاهدین برجسی دیگر، اضافه بر تمام مارکهای "درد" و "خاموس" و... منتها این بار در گسوت "قرق‌داری" از قاچاقچیان... "گند از جانب محاسن" ساخته شده‌ی صدمه‌ها دامن زده شد. البته بر سر مواضع و راه‌حلهای اصولی و ریشه‌ای، برجست خوردن یکی از کمترین ناواسبایی است که پیوسته بایستی پرداخته شود و سایرین مسأله‌ی چندان مهمی نیست.

اما ناگزیر، برای لوث شدن اصل مطلب بایستی باز هم توضیح بدهیم و تاکید کنیم که: جوهر سیاسی و اجتماعی حل مسأله‌ی اعتیاد و قاچاق هرگز نیابستی فراموش شود. در این تردیدی نیست که گسترش اعتیاد و قاچاق پیوسته همچون سلاحی دردناک استعمارگران و دست‌نشانندگان در خدمت سرکوب فکری و اخلاقی ملل محروم و تحت سلطه بوده است. کم‌اینکه گفتیم و نوشتیم که در دوران شاه‌خائن سیز سلسله‌حسان اصلی قاچاق مواد مخدر، هم‌ا دربار و در رأس آن خواهر شاه بود، و سی.

سایرین تا آنجا که به ریشه‌های سیاسی و اجتماعی مسأله مربوط می‌شود، مانند سایر اشک عمل و قاطعیت پرهیز نداریم، بلکه بعکس خواستار افزایش آن تا حد ریشه‌کی بهائی هستیم.

اما جان‌کلام این است که باید بیش از پیش به ریشه‌ها پرداخت و نه به ساقه و برگ و لداست که تاکید می‌کنیم که ریشه‌های نهائی مسأله، در نظام سرمایه‌داری وابسته و در بقایای استعمار بسته است.

منظور از این مطلب نیز آن نیست که در زمینه‌ی مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر تا مدت‌ها نیابستی کاری کرد! خیر افتا فرهنگ استعماری و مخدر، ترویج فرهنگ انقلابی تا مین زندگی و رفاه و درمان معاندان و محاکمه و مجازات سردمداران واقعی و گردن‌گفت و... امثال اینها همه و همه لازمند. اما مهمترین نکته در اینجاست که: سپرده‌های همه‌ی اقدامات و طرح‌های مبارزه با قاچاق و اعتیاد منوط به آن است که تا چه حد در پیوند مستقیم با همان ریشه‌های استعماری و استعماری صورت پذیرد.

بعبارت دیگر برای اینکه اقدامات مربوطه فقط نقش سنگ را نداشته و به علاجی واقعی و بهائی نزدیک شود، بایستی آنها را در متنی از مبارزه‌ی قاطع، انقلابی و پی‌گیر و مستمر با ریشه‌های نظام ظالمتی و بامادی آن و سیستم سنگر امپریالیستی و طبقاتی، ارزیابی و مطالعه نمود، یعنی زمینه‌های اقتصادی- اجتماعی (و نه فردی) و سیاسی که این اقدامات در آن زمینه‌ها مفید باشد، یعنی سحر می‌شود بر همین است. والا چگونه می‌توان انتظار داشت که با حضور انگلهای فعال و توطئه‌گر ساواک و سیا و رفایه‌داری وابسته و نفوذ ریشه‌کی شده‌ی مقامی رژیم، نه تنها در سراسر اجتماعان توفیق مطلوب بدست آید؟ و این حقیقتی است استوار که نه تنها در امر قاچاق و اعتیاد بلکه در سایر موارد نظیر فحشا و فقر و گرامی سیز صادق است

هشدار در مورد به تعطیل کشاندن دانشگاهها

انقلاب رهاشدن، ضد امپریالیستی و اسلامی میهنان مداوم حسد و خون‌شدهای بیشتر دانشگاهها را پاس داشت.

۱- بار بودن دانشگاهها پس از ترم حساری و نیز ضمن ادامه آن از شروع سال تحصیلی آینده البته با توجه به اینکه بار بودن در مفهوم برقرار بودن درس نمی‌باشد. بلکه می‌تواند گامی برای بحث و بررسی اهداف و سوههای مقیر نظام آموزشی باشد.

۲- احیاد و تقویت سوره‌های دانشگاهها با حرکت فعال سازی افسار دانشگاهی و به رسمت ساختن این سوره‌ها از جانب نهادهای مسئول مملکتی.

۳- شرکت فعال اساتید و دانشجویان مبارز و معتمد در امر تغییر نظام آموزشی، در این صورت است که می‌توان به تغییر بنیادی و اصولی آن امیدوار بود، تغییر انقلابی

از این رو تصمیم گیری حول انقلاب فرهنگی و تغییر نظام آموزشی ناستی توسط سوره‌های دانشگاهی و به دور از هرگونه انحصارطلبی و خود-خواهی‌های فردی و گروهی یا برویج سوه‌های ننگ‌ها و گفتگوهای آزاد و با مشارکت کلیدی گروهها و در جهت کاسر اختلافات انجام گیرد.

۴- تصفه و پاکسازی دانشگاهها از زنگله‌ی عناصر ضد-حلقی و بازمانده‌ی رژیم سرسپردگی گذشته تحت نظر سوره‌های دانشگاهها. امری که از فرادای انقلاب، مورد توجه و حواست همیگی ما بوده و معقدم که مصفاهای خاص و محدود بدون نظر و سازکت دیگران صورت گیرد، حاصلی جز تسدید نهادها و درگیری‌های داخلی و حدسوارت آوردن وحدت صد امپریالیستی تمام خلق ندارد.

در میان محدوداً با اقرار نگرانی‌های عمیق خود در مورد سروسخت دانشگاهها و هشدار به مقامات مسئول مملکتی خواستار برخورد مسئولانه‌ی آنها بوده و اعلام می‌داریم که معطلاندن دانشگاهها علاوه بر دامن زدن به معارضات و اختلافات و بحای حل قاطع و انقلابی سکلات و مسائل بسیار انقلاب، رخدایای می‌کنم، با ابراز نگرانی از مجموع جریانات و عملکردهای جاری در دانشگاهها به ویژه زمره‌ی معطل ۲ ساله‌ی دانشگاهها، صن هشدار به تمامی سروه‌های معتمد و آگاه به ویژه دانشجویان و اساتدان، نظر آنان و سر مقامات مسئول را به موارد زیر جلب می‌کنم

و معتمدین در صورت عملی شدن آنهاست که می‌توان در جهت وحدت مخرجی سر تمام خلق و تحکیم و تقویت سازرات ضد امپریالیستی و جلوگیری از انحراف آن گام برداشت، و به نفس و رسالت خطیر دانشگاهها در پیوند با بوده‌ها و مسیر

مقابله‌ی جدی و نام عیار با تمامی تهدیدات خارجی و داخلی است؟ و با در جهت تفرقه و تشتت نیروها و بالنسجه از نوع مردمی و اسلامی‌اس ایجاد سندان عمل برای امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی‌اس؟

آنا در شرایطی که هر روز در گوشه و کنار مملکت، شاهد فعال شدن عملی مپهرهای خائ و فاسد ساواک و عمال رژیم سابق و عملکردهای ضد-انقلابی آنها هستیم و ضرورت هوساری و مادگی کامل در برابر آنها احساس می‌شود، معطل بودن دانشگاهها که مراکز نقل آگاهی و روشنفکری بوده‌ها و کانون حتی کردن نوطنه‌های امپریالیستی و ارجاعی و ضد-انقلابی است به نفع انقلاب است؟ مگر دانشگاهها با به حال رسالتی حراس دانستند که در خدمت منافع انقلاب و سوده‌ی مردم باشند؟ مگر دانشجویان دانشگاهها بیش از آن روشنگری و کانون‌های جوان و فعال مبارزه علیه رژیم سفور و وابسته‌ی‌ها نبودند؟ و آیا جز این است که در حران نگامل تاریخی مبارزه سروسخت دانشگاهها و توده‌ی مردم سخت بهم گره حورده است؟ و بالاخره باید بیرسم در حالی که هنوز بیکر حوسین دانسته‌ها، قلب محروم ولی نینده‌ها، تسکین نیافته‌ها است چه خواب-های برای دانشجو و دانشگاه دیده شده‌است؟

در اینجا باید همچون گذشته تاکید کنیم که در صورت انقلاب فرهنگی و تعیرسازی نظام آموزشی هیچ‌گونه تک و تردیدی نیست و حتی ما آنرا به قول برادر مجاهد مسعود رجوی "عالمیرس" مرحله‌ی هر انقلاب می‌دانیم بخصوص در جامعه‌ای که روابط محیط طبقاتی و مرکز آلود امپریالیستی با عقب آن نفوذ کرده‌است، آیا ساند بوجه دانست که اولاً می‌توان بدون انقلاب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به انقلاب فرهنگی دست یافت. به عبارت دیگر انقلاب فرهنگی، بعداً نتلع کامل رسنه‌های نفوذ اقتصادی،

جه کسانی همچنان علیه‌ی افشای طرح نوطنه‌ی امیر علیه دانشگاهها، که در عمق خود نوطنه‌های گسترده علیه نیروهای انقلابی جامعه را به دنبال داشت و نیز علیه‌ی مخالف عمومی تمام شخصتها گروهها و محافل آگاه و انقلابی و سرفی جامعه همچنان در صدد احیاء اجراء طرح شکست‌خورده‌ی خود هستند و به راستی چه کسانی در این میان نفع خود را در تعطیل دانشگاهها می‌بینند؟ و تا می‌توانند از این عمل جز تسدید درگیری‌ها و تضادهای درون خلقی و ایجاد هرج و مرج و به آشوب کشاندن کشور، به نفع امپریالیسم حاصلی دیگر ندارد؟ آیا با فزاری بر آن به اصطلاح انقلاب فرهنگی، آن هم با همین سوه‌هایی، در شرایط کوسی جامعه‌ی ما که در معرض جدی‌ترین و خطرناک‌ترین تهدیدات و نوطنه‌های نظامی امپریالیست‌ها به هم دسی بر حوسین سطفه است و سر در داخل در برابر ساری سکلات و مسائل معطل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی قرار دارد، چه معنایی می‌دهد؟ و آیا چنین طرح‌هایی در صورت وحدت تمامی خلق به عنوان ضرورت تاریخی و احتیاط نابیدر انقلاب ما برای

دچار خویرتری شده، همسپور برادر دیگری که بحاطر حمايت از یک فرسوده‌ی نهاد مورد حمله قرار گرفته و با زیر پیوستی کمک حورده بود.

در بیان مسعود مدنی ما این برادران که کهنکونست و آنگاه ما حیدم کردن تک آلوم عکس بدر ظالمانی به هر کدام از سماران، در محیطی آکنده از سور و سوق انقلابی مرکز امداد نسری است و در اسر سسکی بینی و بازه‌ی بدن سربان بینی‌اس مدنی است

خواهد کرد. برادر مجاهد مسعود رجوی با آرزوی سلامتی برای سمدود جهت ادامه‌ی راهش سمدود سایر سماران این مرکز رفت.

در بین این سماران طبق معمول عده‌های رارحم- حوردرگان حملات ارجحان، اوپاس و فالانژها تشکیل می-داند. از جمله برادری که بعد از جریان برسمال هنوز در امداد نسری است و در اسر سسکی بینی و بازه‌ی بدن سربان بینی‌اس مدنی است

کردند ولی این امکان دیگر وجود ندارد. (همه‌ی مثل پس از قطع امید بزرگان از پیوند حسم محمود ولی تک عمل حراحی حسم او را در آوردند) در اینجا برادر مجاهد مسعود به این نکته اشاره کرد که بعضی نفس عصوها حسد که مثل سبند دادن می‌باشد و ناستی با نوا از همان ناست و نوا از دست دادن حسم هزاران حسم را باز کردی و هزاران نفر را ستم کردی، محمود ما همان روحی فولادساز از دل کفت که اگر

دچار خویرتری شده، همسپور برادر دیگری که بحاطر حمايت از یک فرسوده‌ی نهاد مورد حمله قرار گرفته و با زیر پیوستی کمک حورده بود.

در بیان مسعود مدنی ما این برادران که کهنکونست و آنگاه ما حیدم کردن تک آلوم عکس بدر ظالمانی به هر کدام از سماران، در محیطی آکنده از سور و سوق انقلابی مرکز امداد نسری است و در اسر سسکی بینی و بازه‌ی بدن سربان بینی‌اس مدنی است

بقیه از صفحه اول

۵۹/۳/۳

مردم و مجاهدین

بقیه از صفحه ۱۰۱

جوایبهی رئیس آموزش و پرورش قائم شهر

بقیه از صفحه ۱۰۱

مدارس سراسر کشور" در تسماری دادستان اغلای اسلامی، ۵۵ - خواهشمند است طبق مابندهی نام الاحبار مقام قانون مطبوعات در همان وزارت و روسای دسرساها صفحه و همان ستون اقدام دعوت عمل آمد تا فوراً سه به درج آن فرمائید. دفتر کار اصحاب مراجعه نمایند. پس از تکمیل جلسه مجدداً موضوع مورد درخواست حامدگان دانش آموزان مطرح و پس از چهار ساعت بحث و گفتگو و ماس لغتی مجدداً مندرکل نوراحصوب نمود تا روسای آموزشگاهها از دانش آموزان خواهند که نهایت همکاری را با مسئولین امر نمایند. در همان روز نمایندهی روزنامهی اغلای اسلامی حصر مذکور را شکلی که در شمارهی ۲۳۹ روز چهارشنبه سوم اردیبهست ماه ملاحظه فرمودید صریحاً به تمام باسناد

باعث می شد من به فرمان سازمان عمل مغایلی نکنم. یاره کنم و همهی این افراد را زیر باهامی لکنم. برادریگر برسیده است: "راستی آیا شما با احساسات هواداران خودیاری نمی کنید؟" برادر کردی که در روز کارگر به تهران آمده و در ترمینال حضور داشته است. از مسافر - خانه برامان نوشته: "اگر یک نکه از همان جایهای خودشان را برمی دانستم، بیست نفران را حرف می دادم. خود سانی نیست، چند تا چاق از آنها گرفتم ولی چون خواهران و برادران اجازهی حمله ندادند حماقها را فقط شکستم... لاف لاف اجازتی دفاع از خود به ما ندهید این که منند ما همسای کتک بخوریم..."

دربارهی نامهی فوق، دگر چند تذکر لازم است:
۱ - مطلب مورد بحث اساساً در روزنامهی اغلای اسلامی مورخهی سوم اردیبهست ۵۹ نوشته شده و محسن اطلاعاتی همدار، در نشریهی مجاهد شمارهی ۵۰ مورخهی ۲/۷ انتشار یافته است، یعنی در این فاصله، خبر مندرج در انقلاب اسلامی مورد تکذیب اشان قرار نگرفته است.
۲ - این همدار، خاص شهرستان قائم شهر بوده، بلکه با توجه به سایر نمونهها که عناصر ترقه افکنی با اجداد درگیری و به آشوب کشیدن مدارس، تحت عنوان انقلاب فرهنگی، قصد تعطیل آنها را داشتند داده شده است. بعنوان مثال توجه آقای علی آبادی راهب ذکر دونه از این حرکات مندرج که در نشریهی مجاهد شمارهی ۵۲ و ۵۴ بیابان جمله سه دبیرستان بیرانهی مرغفوریان در شاهرود درج شده بود و هم چنین جمله به انحن دانش آموزان مسلمان مدرسهی میرزا کوچک چاق قائم شهر حلب می کنیم.
۳ - آطور که از نامی آقای علی آبادی برداشت می شود، اشان، شیوههای وابستگیان و کسب حماقداران به مدارس تحت عنوان مردم را نمی پذیرند، ما ضمن امراخرسندی از این مسئله، آرزو داریم که اشان، اقدامات لازم جهت محکوم کردن و ممانعت فاطع از این قبیل اعمال و حماقداریها را بعمل بیاورند.

مقدس و به حق خواهران و برادران خود را مهار کنیم. و یاران این همه حمله و تهاجم و تهمت و شایعه چنانچه بر سر هر نیروی دیگری فرود آمده بود، اکنون با اوضاعی کاملاً متفاوت با اینکه هست روسرو بودید؟ امیدواریم اشان را دانسه باشید که یک سازمان سیاسی - نظامی مثل ما که در دوران دیکتاتوری شاه آرمایش توانمندی خود را در یک مبارزهی مسلحانهی ناسرابر داده است، و اهممای از جنگ و درگیری ندارد. و امیدواریم که حداقل این را قبول کنید که ما مصلحتی فراتر از مصلحت گروهی و سازمانی خود را در نظر داریم و بالاخره امیدواریم که با اقدامات خود، ما را در مقابل سوالات متعدد خواهران و برادرانمان بی جواب نگذارید... به راستی یکجا می رویم؟ می آئید و در عوص این همه صدمت با ما مقداری هم انرژی و نیرویمان را صرف ازین بردن این همه مسائل خاد مملکتی مثل بیکاری... کنید. می آئید نه از ما بلکه از این برادران شرم کنید که شاهد ماجرائی بوده است و آن را برامان اینگونه بوشماست: افراد دیگری حضور داشتند که ۷ تا ۸ کیلو حصار خریدند آن شخص رنگ بریده منتظر بود حلویت بود. گفت نیم کیلو حصار بده، موهفروش از کوره دررفت، گفت یک پاکت برای نیم کیلو حصار؟ آخر حالش بشک. آن شخص گفت آقا بواش حرف بزن حرف بده که بزمم اگر پاکت نیست درجیم بی ریم موهفروش گفت آخر نیم کیلو حصار نمی فروشم. اینهم شد معافه؟ شخص رنگ بریده گفت: آقایی که از دل من حبر نداری، من سی جپل روز است که بیکارم و اسرور بر حسب تضاد رنم بر کار و مزدبان ۵۰ نوس شد. این نیم کیلو حصار را هم برای خودمان نیست برای بچهمان است که دیروز از زمین پوست خیزی برداشت و خورد... اما آنچه در رابطه با خواهران و برادران خود می توانیم بگوئیم: بدون آنکه وارد پاسخوئی به تک تک مواردی که خواهران و برادران اسفاد داشته اند بنوسم و بدون آنکه قصد مقایسهی داشته باشیم بی اختیار به یاد وضعیت امام حسن می انیم. حتماً به یاد دارید که حتی سرداران حضرت هم پاسخ سلامش را نداد و او را "مذل المؤمنین" خطاب کرد! کارنامهی ما از ابتدا روشن است. و این خواهران و برادران - بخصوص آنانکه با شدت بیشتری انتقاد کرده اند - بهتر است اندکی به گذشتهها فکر کنند موضوع - کبریهای ما و نتایج آنها را

تأثیر بدی روی خواهران و برادران حذامی طرفداران گذاشته است. ضمن تنکر از احساس مسئولیت این خواهر و بوزش از خواهران و برادران حذامی خود توضیح می دهم که در مقالهی مذکور حذامی "بشتر حنفی سیاسی داشته است نا اشاره به بیماری خاص آنها. معهدا با پذیرفتن اسفاد شما سعی خواهیم کرد به این نکات توجه بشتری کنیم.
● برادری روستاشی، برامان نامهی پرشوری نوشته است. این برادر در نامهی خود اشاره کرده است که در میدان ده خود نابالوئی نصب کرده و در آن اعلامیهها و تریات مارا به مردم ارائه می دهد. اما حسبالمعتول در محضین هرروز بوسرها و اعلامیهها را یاره می کند. این برادر مناسفانه اسم و آدرس خود را برای ما نوسختاند. لذا از این طریق ضمن تحسین شور و انگار انقلابی، اس امیدواریم از نلاشهای ادبوحافی عدهای معلوم الحال تری به خودراه نداده و درسی نشود و کار خویش را با بشکاری هرچه بیشتر ادامه دهد.
● بدری آگاه و انقلابی به نام م. ص. در نامه ای برای پرسش که میلیشیاست، نوشته است: "میلیشای من، وقتی تو را در صفوف منظم میلیشیائی دیدم که بای بر زمین می کوفتی و طعمان در کلو داشتی و مقدس وار فریاد می زدی و سرود آزادی می خواندی آن زمان حس کردم، بسری دارم و آن لحظه بود که برای اولین بار خودم را در نویاقتم از فرط شغف می گریستم و با توفریاد می زدم و سرود آزادی می خواندم. میلیشیای من راهت مقدس باد، آرزو داریم فرزندان دیگر این پدر آگاه و انقلابی نیز از داشتن چنین پدرانی به خود بیاند و سرود آزادی خلق را نامی مردم با یکدیگر بخوانند.

دستگیری و ضرب و جرح با تهاجم شرکت در مراسم ۴ خرداد

روز یکشنبه ۳/۴ به ناست سرگردانست نهادت سمالکداران زارمان مجاهدین خلق ایران مراسم بیست و چهارم برای یاد کردن مراسم عدهای اوباش و حماقدار متعلقه تحت حماقت عدهای می داد که از قتل سدارک بدهاند. شکلی که راه را حی برای اوبوسها و ماشینهای شخصی هم بستند، و عدهای را دستگیر کردند. در این سن صهم سهاره عدهای دیگر اسنادا مورد تهاجم بالابرها قرارگرفته و سپس دستگیر و به محل کمپنی کپریک منتقل شدند. حدود ۱۵۰ - ۵۰ نفر در این کمپنه هستند برچوردن هوش افراد کمپنی و حی ضرب و زخم برادران در موارد متعدد، ماهت ادعاهای اغلای و اسلامشان را بحوسی فاش می کرد. پس از مدتی عدهای از ما را که حدود ۲۰ نفر بودیم به کمپنی ۱۴ واقع در شهرری بردند. از همان اسنادا برخوردهای آجاشی شروع شد از بدو ورود با رکب ترس بقیه از صفحه ۱۰۱

مروری بر زندگی "کارگران کوره پزخانه‌های مشهد"

"لب دریا" سطلهای است در سربو شهر مشهد که جمع کوره‌های آهنک و آجربری به طور بزرگ‌نمایی در این منطقه قرار دارد. در اطراف کوره‌های آجربری یک ردیف خانه‌های یک طبقه ۲۳ متر و حدوداً ۲۰ متر کارگزاری کما خانواده‌ها در این منطقه در کنار کار به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. در این اماکن امکان داده شده‌اند کارگزاری که در این کوره‌ها کار می‌کنند به عدیدت سر و حواس نامرتبه و محسوس برای حداقل ناسر و زندگی فلاکت‌بار خود حتی دختر - بچه‌های ۸ تا ۹ ساله‌شان را جهت حضوری به کار گیرند. اغلب استادان فصل‌خند - براه انعام درین و کلاس هستند - با لکه تنها فرزندی را که برای درس به مدرسه گذاشته‌اند جهت کار در اختیار بگیرند. اغلب کودکان آنها که درس درین خواندن هستند روزها ساعات زیادی را به‌حالی درس و کلاس در میان آنها و در کنار کوره‌ها و در هوای گرم ناسان محبوس به کار و سخت‌رسی هستند.

زبان سربو در کنار سوهرخان محبوس به کار طاق‌فرمان جمع آوری آجر و حنک... برادران ناتوانند قسمی از خرج کم‌ترکن خانواده‌ی خود را بدوش بکشند یکی از آنها صن‌صنعت‌های خود می‌گویند از شهر سربو خندیده آمده‌ایم! آجاکار سود و درآمدی نداریم. من و شوهرم به اینجا آمدم آب و برق نداریم وسیله‌ی سبک‌ارزوله‌ی ده‌ساله‌ی آب بر میداریم - بچه - هایشان مدرسه نرفته‌اند چون مثل آوارها از جایی به جایی دیگر دنبال کار هستیم وضعمان خیلی بد است - سبب به سال سن منمها چند برابر شده و ما نمی‌توانیم حتی غذای یک وعده را درست کنیم نه سبب همسرم نه عاوی داریم و نه معارفه‌ای! کار هم طاق‌فرمانست - مردمان



کاخ‌های رفیع برگزیده زحمتگشان و بیدگندست‌های ناولز و نو بینه سته‌شان سر برافراشته است.

و از این طریق روزانه مبالغ هنگفتی به حساب می‌رسند. دستمزد کارگران کوره‌ها بطور متوسط روزانه ۶۰ الی ۹۰ تومان می‌باشد. کوره پزخانه‌ها کسی از بازار بزرگ خریدهای استمار و آنها امکان پذیر است! در صورتی که عارت هم می‌تواند در کوره و کنار ملک است چرا که بندگان، دستمزدش، شرایط بهداشتی و رفاهی بسیار ضعیف و حتماً، وضع بدیعه فقط کوزه‌ای از اوضاع و احوال زندگی اینهاست... ضمن درج نام‌های غذاهای از این حیوهران و برادران زحمتگش معتمد که وارثان خواهد احاطه و صدامیرالستی کوی

می‌برسه که اینجا جی بدن: کارگران به علت عدم رسیدگی فقط برای رای گیری آمده‌اند! به خواستهای صغی‌ان دست کارگر دیگری می‌گویند.

سبب که نسیم، وضع بهداشت و حتی نفسان نوی هوای آلوده و دودی اینجا جی برای ما نامی می‌گذارد؟ ما از این وضع آزار حسم و کوسن سواشی هم وجود ندارد. قسم سواری نداریم که این مسائل را بی‌گیری کند؟ گفت: یک نفر مانده داسیم چون حرف خورد و حرف دل ما کارگران را گفت گفتند صداغلات است. اس کوزه‌ای از وضع رفی‌آر کارگران کوره پزخانه‌های حادثی سمان میشد بود که نه عنوان بعضی از زحمتگشان حامعی ماسرائط سخت و طاقت‌فرسای را تحمل می‌کنند. اما مگر ناکی می‌توان باوعده و وعید سبب به حداقل خواستهای مسرووع آنها بی‌فاوت بود؟ کارگران کوره پزخانه‌های مشهد از مجموعه‌ی فشارهایی که به آنها وارد می‌شود سبب خصوص نالارمن مرتب فمبها و ثابت ماندن دستمزدشان به تنگ آمده بطوریکه در سارخ ۵۹/۲/۲۷ حدود ۳۰۰۰ هزار ۴۰۰ تومان نفوس می‌رسند

تاریخچه کوره پزخانه‌ها در مشهد

کوره پزخانه‌ها در مشهد از قدیم وجود داشته‌اند و در ابتدا برای ساختن آجر و کاشی استفاده می‌شدند. بعدها با پیشرفت تکنولوژی، کوره‌های مدرن‌تری ساخته شدند که دماهای بالاتری را می‌توانستند تحمل کنند. این کوره‌ها در مناطق مختلف مشهد پراکنده شده‌اند و هنوز هم در برخی مناطق به کار می‌روند.

و سوگند خورد که زمین و امکانات عارت شده را، حتی اگر در کاسین زنان باشد، از اشرف و استمارگران بگیرد و به بودهای محروم و سندیده بسازد، والحق که حسن کرد.

سازش نابدیری و قاطعیت انقلابی‌اش، تجزیه و تفصیلی نیروهای اجتماعی - سیاسی زمانش را پیش آورد. از یک طرف معاویه، غارنگر و دشمن اصلی، از طرف دیگر پیروان طلحه و زبیر که استواری علی (ع) را در مسالهی مساوات و تسط ناحوش داشتند و از موا امتیازات طبقاتی شان می‌ترسیدند، و بالاخره راست گزایان و شکل گزایان مذهبی که با برداشت قشری و دکم از اسلام، علی را کافر و واجب القتل می‌دانستند و دانسته و نادانسته، عامل دست معاویه شده بودند (خوارج)

بیکار علی (ع)، بیکاری بی‌امان بود برای محو ستم طبقاتی و جاهلی و حاکمیت اسلام رهائی بخش و بویا در این راه، همچون گذشته جواب هر تهدید را بخان خرید ولی نامیردانه براصول انقلابی‌اش ایستاد و تلغزید و عاقبت نلی بر این راه‌جان نهاد و بدست خوارج، در محراب عبادت به شهادت رسید، در حالیکه در پوشش تبلیغات گسترده‌ی معاویه، کسی را این باور نبود که علی (ع) به مسجود و نماز خواند! آخر او را کافر می‌دانستند! سالروز تولد این آیه‌ی پرشکوه پایداری را به آثانی که دردمندان، و بی‌توس از لعن و طعن دیگران، راه او را دنبال می‌کنند و به تمامی انقلابیون اصل و زحمتگشان و ستمدیدگان، تبریک و تهنیت می‌گوئیم.

دین اسلام، مبارزه با پایداری مکنی را آموخت. اولین کسی بود که به نهضت رهایی بخش اسلام پیوست و سختی‌ها و رنج‌ها و محرومیت‌هایش را عاشقانه به جان خرید. از نو - جوانی و کودکی در جنگها شرکت می‌کرد. در سبب ابوطالب دوران طاقت‌فرسای تحریم اقتصادی و اجتماعی از ناحیه‌ی دشمن را گذراند، به هنگام هجرت بی‌غیر (ص)، بجای او در سببوس خوابید. در مدینه با پیامبر عقد برادری بست و تنهد و امامت مسیکی رهبر به مردم سفارش کرد. در جنگ بدر افسانه‌ی قدر قدرتی دشمن را درهم شکست. در احد از مقابل تهاجم افسار کسبخته و کین نوزانه‌ی دشمن عطف نسبت و بنامیر زخمی و محروم را محافظت کرد. اینچنین بود که علی (ع) در جریان مبارزه‌ی بی‌امان، فاتح حیرت‌ساز و بروج و باروی اشرف و زمین داران را بوسرمان و بران کرد. سامیر (ص)، او را که بحسم رنج و روح انقلاب بود، به عنوان امام و رهبر به مردم سفارش کرد. اما پس از وفات رسول خدا (ص)، او را به انزوا کشانند. آخر بکسی از "کناهان" او جوان بود پس بود و نیز خدا افغان از مردم مسلمان از بزرگترین آنها ماس. و از آن پس علی (ع) در فاحصی نهیسی که به انحراف می‌گذاشت رنج می‌برد آنچنان که کوبی "خاری در حسم و اسخوانی در کلو" دارد. بارها و بارها غم این فاحمه را بر سینه‌ی صحرا و دل جاه فریاد زد و نالید.

این کوه ایمان و نبرد، نسیم سرشاری از عرفان و عاطفه بود. آنچنان خدا را از درون فریاد می‌زد که در وجدان آگاه هراسانی، به عمق می‌نست و در صحنه‌ی بیکار اجتماعی،

علی (ع) آیه‌ی پرشکوه پایداری

بی‌تاب و بی‌غیران می‌کرد. شکوه عرفان و خدای علی (ع) در عمل انقلابی و تاریخ‌سازش تجلی می‌یافت و در نالشی بی‌ابان، برای تحقق سبط و برابری شکل می‌گرفت.

علی (ع) در اندیشه‌ی سبک‌بندی ستم اجتماع و بدوام انقلاب، بساخن کادرهای انقلابی چون ابودر، حجر، مالک - اشیر... برداخت. مردانی که اولین فریادهای افساگرانه را بر علیه "اشرافیت جدید" سردادند و زرگی‌بندارو روس اسلام انقلابی را در دل سبهای سیاه حراست کردند.

بالاخره حاکمیت انحراف پس از سالها صبر نلج و سازنده‌ی علی، به بی‌سبب رسید و بودهای بخان آمده و خشمگین خلق، به او روی آوردند و علی (ع) که نمی‌توانست در برابر سیری ظالم و کرسنگی مظلوم بی‌تزار و بیناب نماند "فعالانه قدم‌بیش گذاشت و زمام امور مردم را بدست گرفت.

از همان روز که مسئولیت خلافت را بعهده گرفت سیمای انقلاب واقعی اسلامی را این چنین ترسیم کرد:

"طبقات محروم بالا می‌آیند و طبقات بهره‌کش بزرگ کشیده می‌شوند. بیش‌ازآن واقعی اسلام در صدر قرار می‌گیرند و کسانی که بناحق جلو افتاده‌اند به عقب رانده می‌شوند..."

مناسبات بین رهبری و توده مردم از دیدگاه علی (ع)

بغیة رصفحه اول

را هم حقی است. هر کس که حق او اجرا می‌گردد، متغایلاً در مثال کسی که حق او را ادا کرده است تکلیف می‌گردد. اگر موردی هست که حق برای کسی باشد بدون اینکه خود او تکلیف گردد، فقط خدا حسن است و لا غیر. ذلیل لطیفی بی حوق و جزای بروردگار بر تمام مخلوقات و عدل او که در تمام فرامین و مقررات او جاری است، لکن خدا اطاعت از مستب خود را حق خود بر عهده‌ی خداوند قرار داده است و از طرفش و ابروی بی‌حسی خود، پاداشی مضاعف آنرا را برای اجرای این حق، در فراوانی نسخه قرار داده است و او اهل حسن فصل و گناهی دسی - های است.

حق و تکلیف

بطور کلی هر حقی متضمن یک تکلیف هم می‌باشد. برای روشن شدن مطلب چند مثال می‌زنیم:

فردی را در نظر بگیرید که در یک جامعه تحت نظام استعماری بزرگ شده و سپس امکان تحصیل پیدا کرده (و در جریان تحصیل آگاهی اش بر بالا رفته) و سرانجام در این مناسبات، استازانی سر بدست آورده است. بدینی است که این فرد، جز بوسه‌ی استفاده از دسترخی بوده‌های کارگر و دهقان (و عموماً افسار رحمکنشی که با کار و رنج خود، نعمت‌های مادی را تولید کرده - اند)، نمی‌تواند به حسن وضعی برسد. از این رو فرد مزبور در مقابل حقی که مردم به گردن او دارند، مسئول و تکلیف می‌شود. تکلیفی که به موجب آن باستانی دین خود را نسبت به بوندها، بصورت مبارزه و فداکاری در راه نجات آنها از زیر بار هرگونه ستم و استعمار، ادا نماید.

نه همنر تربت و هی مردم حمایت‌های بی‌درج خود را ستار یک سازمان انقلابی می‌کنند، حقی را نسبت به آن سازمان واحد می‌گردند، که متغایلاً آن سازمان را تکلیف می‌سازد تا تشدید احساس مسئولیت خود نسبت به سرپوش خلق و انقلاب، با فداکاری و تلاش مستمر در راه احقاق حقوق خلق، تعهدات خود را در قبال مردم و نیرو - های حمایت‌کننده‌اش بطور کامل به انجام رساند.

حقوق و تکلیف متغایلی که رهبری و بوندهای نجت رهبری نسبت به یکدیگر دارند، از اساسی ترین موارد و مضامین حق و تکلیف می‌باشد که در خطبه‌ی مورد بحث نثار اشاره شده است. اگر به این موضوع تا یک دید عام و مبتنی بر روشن شناسی علی گناه کنیم، مغفل حقی روستی می‌شود. می‌داسم که در مسای ما بدیده‌ها و انشای متغایلاً با یکدیگر در رابطه بوده و باستانی آنها را بطور مشروط و وابسته به هم نگریست. اس بقیه رصفحه ۷

۱۶ سال مقاومت خوشار مجا - هدی منوان یک صد باسی فراگرفته باشد، که مجاهد خلق را نه تنها مغفرتی و غنا سیاسی و ستار، و نه با سنجی خود را حق خود بر عهده‌ی خداوند قرار داده است و از طرفش و ابروی بی‌حسی خود، پاداشی مضاعف آنرا را برای اجرای این حق، در فراوانی نسخه قرار داده است و او اهل حسن فصل و گناهی دسی - های است.

اکون به دسانه‌ی نجت گذسته بوحه‌کنید:

در شماره‌ی گذشته ضمن اشاره به فراره‌هایی از خطبه‌ی ۳۴، اولین سمت تحت حاضر را حول مساله "سوهی صحیح رهبری" و روابط و حقوق متقابل توده مردم و رهبری و تکلیف ناشی از آن، شرح نمودیم. حضرت علی (ع) در این خطبه (۲۵۷)، بی‌پس اشاره به این حقوق و یادآوری

حون ارزنده‌ترین کادرها و ستانگدازان سازمان، سه دستاورد‌های گرانقدری رسدیم که بر حسب آنها معاصین قرآن و سهج اللعاه را باسی به سزله‌ی یک آمویش انقلابی و صلاح برده‌ی ایدئولوژیکی بلعی کرده، که ذلیل غنای محتوا، هرگز حرعفات و سوه - استعاده‌های طبعی می‌شوند باعث این تود که آن هانظور کامل به دست فراموشی سرده شده و جبهه‌ی اصل و واقعی - مان گاملاً محدود می‌شود. سا بر این نغادان، برنامه‌ها را صد مجاهد، اگر سب مضامین انقلابی سهج - اللعاه و تعاللات و تفکرات و اس گرانسه‌ی طبعی خودشان صادی مشاهده می‌کنند، راه درست این است که بحای آنکه ما را مقصر شمرده و با مارک‌ها و برجست‌های آراهمری حظه‌مان کنند، فل از هر چیز تکلیف خودشان را با اسلام راستین علوی منحصر کنند. آخر ما نصیر و انهایی که بر این دانشه‌مان که قدری حصارت! شرح داده و به این نسخه رسدیم که قرآن و سهج اللعاه کسای می‌کنی راهنمای عمل هستند و باسی

سند که حالا سال ۵۹ است، و مردم ما امروز با عبور از یک بروسی مبارزه‌ی مسلحانه‌ی ۷ ساله، انواع مدعیان انقلاب و اسلام را محک زده‌اند. امروز دیگر هر عنصر آگاه مسلمانی را می‌داند که چه گسای در سال ۵۹ قرآن و سهج اللعاه را که در میان گردو غبار طامجه - های مارا به دست فراموشی سپرده شده بود، به من ریدگی سیاسی مردم و جوانان مارا آوردند، و چگونه آمویش - های مجاهدین را برین رتبه، این مناع را به نمانه یک کتاب و مرجع ایدئولوژیکی به راهنمای عمل انقلابیون مسلمان مبدل ساخت.

در اینجا لزومی ندارد و فرصت آن هم نیست که ما را بلعی‌ای که پستی از مجاهدین خصوصاً در شان فسر حوان و روسنگر جامعه، از قرآن و سهج - اللعاه و بطور کلی اسلام وجود دست صحبت کنیم. بلعی‌ها و غاسر اجرا می‌شود و باسی که آگاهانه و با آگاهانه در جهت توحه موجودیت و سرعوتی روابط استعمارگرای حاکم صورت می‌گیرند و این منور را از محوای اصل آن سهی می‌گردانند.

دیگری برای نخطبه‌ی سازمان و ایدئولوژی آن جویند.

شما چه گسلی به سر "جوانان مسلمان" این مملکت زداید؟

واکنشی اکون که نما از یک موعظ اسلام بناهانه! و دلسوری خاطر "جوانان مسلمان" به نخطبه‌ی آمویش - های سهج اللعاه می‌شود. برداخته‌اند، آنا اجازه نمی‌دهند که ما سیر از نما و دوستانان این سوال را بکنیم: که شما تا بحال از طریق امواح و فرسنده‌های رادو - بلوربوسی متعلق به این ملت محروم، چه گسلی بر سر جوانان مسلمان زده‌اند و کدام حظه - شرح و تفسیر کرده‌اند؟ آخر عوامرینی هم حدی دارد! شما حوات این سوال هراران هرار مردم آگاه را چگونه می‌دهند: که این چه رادو بلوربوسون اسلامی است، که سها رسالت - اش را در عزمه اندازی و حرک و کوشش و سهم و حمله‌ی تکانه و باحوالمدانه به اصل ترین سرعوه‌های انقلابی و صدت هیستریک با مجاهدین خلق نامه است؟! مگر مجا - هدی جکار کرده‌اند و برای چه باسی این جنس آماج تبلیغات رهز آگین وسائل ارتباط جمعی کشور قرار بگیرد؟ گذارید قدری شرح بر سوال کنیم: اگر با دیروز همین آفاان تفسیرهای قرآن و سهج اللعاه بی‌مجا - هدی را در خط می‌خوانید، و یکپنداری آنها را به سهجی ارتباط دانستن با مجاهدین، مادی افکار و گسست حسیت دنیا طلبانه‌ی خوشی می - نمودند، ولی حالا زده - بوسی و صدت با آنها رادو - سمت یاد نامتواند، این چه بقصری را موعه ما می‌کند؟ آن ما معترضیم که همچنان بر مواضع عقده‌ی ما با برجا مانده‌ام، با حضاری که مان را به سرح روز می‌جویند و گوئی "دین‌تان از دیروز تا به امروز به کلی مغاوت کرده‌است؟ پس از هم اجازه دهید حیلی شرح به سوه‌حسانی که بالا آمدن خود را در گرو حوار - کردن دیگران می‌سند بگوئیم که شما حیلی حون جماند اگر مگر می‌کنید با سیاسی و اغوا - گری می‌شود مردم آگاه را بر علیه مجاهدین حرک کرد.

سری به آرسو دروغ‌پردازی‌ها و ارائه‌ی تفسیر انقلابی از خطبه - های سهج اللعاه و آمویش آن به سبب انقلابی جوانان، این چنین به نمانه نگریسد، زیرا شما بحای اسادن رو در - روی شهیدانی هم چون حنیف - بزادها، رضائی‌ها و ... که حتی با خویشان گردو غسار فراموشی را از جبهه‌ی قرآن و سهج اللعاه شنید، لافاقل می‌توانستید دستاویز ارتجاعی

سازمان مجاهدین و ایدئولوژی توحیدی آن از سالها قبل در معرض تهاجمات ضد انقلابی و ارتجاعی قرار داشته است، و البته ما نه از رژیم شاه - که به ایدئولوژی ما بر حسب "مارکسیست اسلامی" می‌زد و نه از اسلام پناهان واپس - گرایی که از یک دنیا عمق و ژرفای انقلابی اسلام، جز صورت بی‌محتوایی از آنرا درک نگردانند، و در قاموس خیلی از آنها، "دین" جز یک وسیله برای دنیایشان نیست، انتظاری هم غیر از این نداشته و نداریم.

ان بکه که وصف کردن حق کار خلق ساده ولی عمل به آن بسیار متکرات والحق اوسع الاشیاء فی التواصف، واضیقها فی التناصف: حق و حرف و وصف فراجرتس چیزها و در هنگام عمل، از انصاف دادن با یکدیگر، از سنگ ترس و حساس ترین مسائل است، به بحث کلی در ناره‌ی حق و تکلیف، و معمم فلسفی آن در رابطه با کل وجود و اراده‌ی حاکم بر هستی برادخانه، و جین ادامه می‌دهد:

"لا یجری علیه الاحد الا جری له، و لا یجری علیه الا جری له و لوکان الاحد ان یجری له و لا یجری علیه لکان ذلک خالصاً لک سبحانه دون خلقه، لقد رتبه علی عباد، و لعل له فی کل ماجرت علیه ضرور و قضاء، و لکنه جعل حقه علی العباد ان یطیعوه، و جعل جزاً" هم علیه مضاعفه الثواب تفصلاً" منه و توسعاً بما هو من المزیذ اهله"

"کسی را بر دیگری حقی نیست مگر اینکه آن را هم بر او حقی است، و آن دیگری را حقی بر او نیست مگر اینکه او

انها را از فرساستها به صحنه‌ی عمل و مبارزه‌ی انقلابی آورد. البته تاوان این حصارت! را هم بصورت حمل انواع سهم - ها و ستارها که، چه در زمان شاه و چه در حال حاضر سازمان شده و می‌شود، برداخته‌ام. لکن باز هم باید خطبات به سرحی گردانندگان رادو - بلوربوسون تا کتد و نصحت کمیم که:

مواظت باشد کینه‌ها و صدت هاستان نسبت به مجاهدین، شما را در مواجهه با آنها از خاده‌ی عدل و انصاف و حذان خارج سازد. بی - بریدند شما تا غصت تمام امکانات متعلق به این خلق در سازمان رادو بلوربوسون، و بکار گرفتن انحصار طلبانه‌ی آنها در جهت مقاصد و نسیفه حساب‌های گروهی، می‌شوند ۲۴ ساعت ساه روز راهم به کوشیدن مجاهدین اختصاص دهند. می‌شوند دستاوردهای خوشار سازمان مجاهدین را ناچسب جلوه بدهید و برای لحن مال کردن آنها، سهر شوه‌ای که صحف تر از آن در تصور نباید، سومل بنویسد، ولی لافاقل این حقیقت را از ساعه‌ی

دین تربت کسای که می‌بایست راهنمای ریدگی و مبارزه‌ی بوندها باشد، سه رادو‌های بی‌مرد در کنار ریدگی - های بی‌غیر! تبدیل شده بود که از آن حرک اسم و رسم جبری باقی می‌گذاشت. معلم کسر قرآن "بدرطالعانی" بارها بخاطر برداشت‌های انقلابی اش از قرآن، و به این علت که حاضر شده بود بر باطل و اسرائیلیات برجسی مدعیان تفسیر قرآن مهربانند برند، با انواع سهمتها و امتزانات کج اندیشان مواجهند.

اهمیت مطالعه قرآن و سهج اللعاه در برنامه‌های آموزشی ایدئولوژیکی سازمان

سازمان ما از همان ابتدا به معنای موعبت و طسایف ایدئولوژیکی خود، سا قرآن و سهج اللعاه بطور فعالی سرو - کار داشته و مطالعه و تعمق در آنها جز، برنامه‌های ثابت آموزشی بوده‌است. ما طی این مطالعات و به سهی رنج و

بمناسبت جنبش سی ام ماه مه در شانگهای

جنگ انقلابی تنها راه نابودی امپریالیسم

امپریالیسم و سرمایه‌داری با یک دشمن مشترک روبرو هستند و آن امپریالیسم و سرمایه‌داری است و بقول رهبر انقلاب چین این همان "سرمایه‌داری است که از حدود یک صد سال پیش، کارگران و زحمتکشان در نقاط مختلف جهان با آن به مبارزه برخاسته‌اند"

غارت خلق‌ها شیوهی همیشگی امپریالیست‌ها

در این شرایط انقلابیون و کارگران چینی مبارزات خود را بر علیه امپریالیست‌ها و یاکنگ داخلی شان یعنی فئودالیسم شدت بخشیدند. مبارزات کارگران چین است که به "جنبش سی ام ماه مه" معروف است. برای آشنایی بیشتر به بررسی مبارزات کارگران چینی در این دوره می‌پردازیم:

از سال ۱۹۱۱ پس از سقوط سلطه‌ی پادشاهی "منچو" در چین حکومت جمهوری اعلام گردید. بست ریاست جمهوری را یکی از نظامیان سلطنت طلب اشغال کرد. نیروهای ملی چین به رهبری "دکتر سون یات-سن" که به شکل انجمن‌های سری، قیام علیه رژیم پادشاهی مبارزه می‌کردند، رئیس جمهور نظامی و دیکتاتور را بنیادین کردند. در حالیکه امپریالیست‌های ژاپنی که از ۱۹۰۵ "منچوری" یکی از استانهای چین را اشغال کرده بودند، و استعمارگران انگلیسی که نادر جنوبی و جنوب غربی چین را تحت کنترل داشتند، از حکومت دیکتاتوری حمایت کردند. در سال ۱۹۱۶ سون یات سن رهبر جنبش چین پس از مبارزات طولانی علیه استعمارگران و حکومت دیکتاتوری، رئیس جمهور چینی از ایالات جنوبی چین شد.

مردم چین که از سالها قبل از سلطه و دخالت استعمارگران - سرسپورت سیاسی و اقتصادی کنیوشان رنج می‌بردند ناهد بودند که چگونه امپریالیست‌ها مانع وحدت و یکپارچگی مردم سراسر چین و توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی آن می‌شوند بنابراین مبارزه بر علیه امپریالیسم و سرنگون ساختن حکومت دست‌نشانده‌ی امپریالیست‌ها را، مهمترین وظیفه‌ی انقلاب رهایی بخش چین می‌دانستند.

در این مبارزه طبقه‌ی کارگر چین نیز پیشانی‌ش بوده‌ی های مردم دست به مبارزه زد. طبقه‌ی کارگر چین پس از جنگ جهانی اول، یعنی در سالهای بعد از ۱۹۱۸ میلادی به علت ریزش و تکامل نسبی صنایع زویه گسترش نهاد. کارگران را نادمردی با جزو به کارهای سخت در محیط‌های نامناسب و می‌دانستند. ساعات کار آنها گاه به ۱۴ ساعت در روز می‌رسید. استعمارگران انگلیسی، فرانسوی و ژاپنی تا آنجا که می‌توانستند به غارت منابع ملی مردم چین ادامه می‌دادند. کارخانه‌ها، مراکز تجاری و بانکها، خطوط حمل و نقل و کمربند در کنترل خاورزگران خارجی بود.

علاوه بر این سرمایه‌داران چینی برای خدمت به امپریالیست‌ها، کارگران را تحت فشار زیادتری قرار می‌دادند، تساهمراه با سودی که خودشان می‌بردند. مقدار قابل توجهی سود نیز به جیب اربابان خارجی‌شان سرازیر شود.

مردم در روزهای بعد از کشتار طی تظاهرات وسیع و گسترده‌ی خود، خواستار خارج شدن تمام نیروهای انگلیس ژاپنی و انگلیسی شدند. پلیس که دست‌نشانده‌ی امپریالیست‌ها بود برای پراکنده کردن مردم و مخصوص کارگران حملات خود را شدیدتر کرد. عده‌ی زیادی از مردم شهید شدند. به این ترتیب خلق قهرمان چین به ماهیت زشت و جنایتکارانه‌ی امپریالیست‌ها پی برد. جنبش ملی ضد استعماری همی افشار و طبقات را در بر گرفت. اصناف و تجار مین برت جنبی نیز به عنوان اعتراض به کشتار مردم حق طلب فعالیت نمودند، و مردم مصرف‌کالا‌های ساخت امپریالیست‌های انگلیسی را تحریم کردند.

مردم بویزه کارگران و دانشجویان رزمده که شاهد هجوم پلیس ضد خلقی بودند خود را آماده‌ی درگیری وزد و خوردهای بازم‌بیشتری کردند کارگران شهر "کانتون" برای تقویت صفوف مبارزات در هنگ - کنگ به آنجا رفتند. در هنگ - کنگ مردم خیابان‌ها را سنگر بندی کردند. در ادامه جنبش سی ام ماه مه، روز ۲۳ زوش همان سال نیز

بقیاضصفحا اول

ایجاد ارتش خلق برای رهایی از اسارت امپریالیست‌ها

مردم بویزه کارگران و دانشجویان رزمده که شاهد هجوم پلیس ضد خلقی بودند خود را آماده‌ی درگیری وزد و خوردهای بازم‌بیشتری کردند کارگران شهر "کانتون" برای تقویت صفوف مبارزات در هنگ - کنگ به آنجا رفتند. در هنگ - کنگ مردم خیابان‌ها را سنگر بندی کردند. در ادامه جنبش سی ام ماه مه، روز ۲۳ زوش همان سال نیز

کشور چین شاهد نمونه‌ی دیگری از اتحاد و همبستگی مردم قهرمان خود بود. در این روز صدها نفر از دانشجویان دانشگاه‌ی نظامی با وجود ممنوعیت شرکت در تظاهرات به تظاهرات مردم پیوستند. تظاهرات با شکوهی با شرکت صدها نفر برگزار شد. در جریان تظاهرات، پلیس مزدور بازدیگر به شکل وحشیانه‌ی مردم را به گلوله بست. امپریالیست‌ها از خشم انقلابی مردم علیه خود، به وحشت افتاده بودند. آنها سعی - توانستند بفهمند که با سرکوب و کشتار خلق نمی‌توانند خود را از مهلکه نجات دهند. کشتار کشتارکنندگان مبارز موجب گسترش بازم بیشتر اعتراضات مردم و شدت بخشیدن تفر و خشم آنان شد. مردم قهرمان با حضور در کوچه و خیابان‌ها یک صدا و یک - پارچه شعار می‌دادند: "ما

بقیاضصفحا اول

مروری کوتاه بر دادگاه کمالی شکنجه‌گر

دستم را قطع کردند (در این موقع دست قطع شده‌ای را به حضار نشان داد) در حالیکه امکان ترمیم خلقی ساده بود. خود کمالی می‌گفت مدرترین وسائل شکنجه را از اسرائیل وارد کرده‌ام برای شما، و شما پیچیده بودند و کمالی می‌گفت که من بعد از چهار سال نوا - ستم آنها را به حرف بنیورم. مادر کمیری در پایان گفت آن وقت هم ما اردستانها را حتی نداستیم الان هم ندارم آنها آرادند و همسپورتون طوطه می‌کند اصغر محکمکی یکی دیگر از شاکیان بود. او گفت که در زمان دستگیری و شکنجه شدن توسط ساواک و بطور خاص کمالی دانشجو بوده و همراه با بسیاری از دانشجویان توسط فردی نام احمد رضا کریمی که اکنون در بازداشت است می‌بردلورمه است. او توضیح داد که کمالی افرادی نظیر احمد رضا کریمی را دور و بر خود داشتند که به آنها نحوه‌ی بازجویی و شکنجه آموزش می‌دادند. او در مورد آراد شدن ساواکی با انتقاد کرد و گفت که از عوامل اصلی این همه برب گزاریها و هرج و مرجهای اجتماعی همین ساواکی‌ها هستند که نتوانستند سازمان‌دهی و مشغول‌نوطه‌هستند که روزها را بخوری. همچنین در حال شکنجه با مسخره به مایه‌گفت: "مجاهد خلق؟" کو خلق که به فریادت برسد؟ برادر مجاهد حسین مشارزاده در ادامه‌ی صحبت‌هایش افزود: بعد از قیام ملت، عده‌ای از ساواکی‌ها دستگیر و با اعدام شدند ولی بیشتر آنها فرار کردند و با آزادی و هیچ‌وقت دست از توطئه بر نمی‌دارند و این ضرورت هوشیاری بیشتر مردم را طلب می‌کند. (ادامه دارد)

بقایای ساواک و سا را که انفاغ در این روزها بسبب اوضاع آشفته‌ی داخلی بسیار فعال هم شده‌اند بگیرند. البته جریان این محاکمه بعضاً در مطبوعات منعکس شده است، ولی چون مطالبی که از طریق برادران شرکت کننده در دادگاه در جلسه‌ی دوم طرح شده بود عمدتاً در مطبوعات درج نشده بود، لازم دیدیم گوشه‌هایی از صحبت‌های تنی چند از برادران را در این جا بیآوریم:

جلسه‌ی دوم دادگاه عصر روز ۳/۳ تا تلاوت آیاتی از قرآن شروع شد. در ابتدای جلسه آقای محمدی رئیس دادگاه خلاصه‌ای از بنایات شهود جلسه‌ی صبح را ذکر کرد که چگونه منم، مجاهدان و مبارزان را شکنجه کرده و یک به یک از شاکیان جلسه‌ی صبح نام برد و اشاره‌ای به قسمتهایی از صحبت‌های آنها کرد. در این جلسه "ابودریاوخوش" برادر مجاهد شهید هدایت‌الله باخویش، مهدی، عباس زاده از شیراز و خانم معصومه شادمانی اصغر محکمکی، پدر رضائی‌ها، محمدی گیلانی، دکتر طباطبائی اسمعیل زاده و پدر خلیل - طباطبائی و محمد جلال‌زاده حیران شکنجه‌های منم را شرح دادند.

در ابتدای بودریاوخوش ضمن اشاره به این موضوع که منم مأمور بازجویی افراد مذهبی و خصوصاً مجاهدین خلق بود اشاره کرد و گفت برادر او پس از دستگیری توسط ساواک بطور وحشیانه‌ی شکنجه شد که باعث شهادت او گردید و همچنین برادر دیگرش را به سه سال حبس محکوم کردند که مدتی هم به اصطلاح "سلی کشی" کرد. باخویش اضافه کرد: "منم کسانی مثل

خروش مردم در مقابل امپریالیست‌ها

پس از آن کوچکترین اعتراض و حرکتی از طرف کارگران آگاه و مبارز توسط مزدوران و استعمارگران به شدت متروک می‌شد. ولی مردم تریسی به دل راه نمی‌دادند. کارگران و دانشجویان انقلابی در روز ۳۰ ماه مه، به پشتیبانی کارگران کارخانه‌ی سنجی دست به تظاهرات پیر - شکوهی علیه امپریالیست‌های ژاپنی زدند. در جریان تظاهرات، پلیس ضد مردمی به روی صفوف کارگران و دانشجویان آتش گشود. تعداد زیادی از مردم کشته و مجروح شدند. کشتار خلق توسط مزدوران خارجی موج تفر و اعتراض مردم را علیه استعمارگران افزایش داد.

مردم در روزهای بعد از کشتار طی تظاهرات وسیع و گسترده‌ی خود، خواستار خارج شدن تمام نیروهای انگلیس ژاپنی و انگلیسی شدند. پلیس که دست‌نشانده‌ی امپریالیست‌ها بود برای پراکنده کردن مردم و مخصوص کارگران حملات خود را شدیدتر کرد. عده‌ی زیادی از مردم شهید شدند. به این ترتیب خلق قهرمان چین به ماهیت زشت و جنایتکارانه‌ی امپریالیست‌ها پی برد. جنبش ملی ضد استعماری همی افشار و طبقات را در بر گرفت. اصناف و تجار مین برت جنبی نیز به عنوان اعتراض به کشتار مردم حق طلب فعالیت نمودند، و مردم مصرف‌کالا‌های ساخت امپریالیست‌های انگلیسی را تحریم کردند.

شکنجه‌های مسعود رجوی

در این دادگاه همچنین مادر کمیری (خانم معصومه شادمانی) صحبت کرد و به شکنجه‌هایی که به او و دو پیش‌ش داده بودند، اشاره کرد و در پایان گفت که من شاهد شکنجه‌ی

کمالی در هنگام بازجویی می‌گفت:

مجاهد خلق، کو خلقت
آنگاه برادر مجاهد حسین مشارزاده شروع به صحبت کرد و گفت: من در مرداد سال ۵۱ دستگیر شدم، در حالیکه چاشنی یک نمب در دستم منفجر شده بود و دستم مختصر زخمی شده بود، ما - موران ساواک و شهرتانی مرا به بیمارستان شهرتانی برده و

آیا مجاهدین جان برکف ضعیف‌اید، ثلوثیگ‌دا شتند، یا کسانیکه...

بریدون لیتفوسورالله بانواهم والله متم سوره ولوکوره الکافرون. (صف آیه ۹)

مخواهند که خاموش کند نور خدا را بادهان هایشان و خدا خود کامل‌کننده‌ی نور است اگر کافران را خوش‌نماید. خداوند اجر خود به که بیاه سربم که حرمت شهیدان را سربم نمی‌دارند؟

خداوند جز بونه که بیاه سربم که در سالگرد شهیدان بخون حقه‌مان حای گرامیدانست نادانها به این عزیزان اهانت می‌کند؟

که حتی اسم شهیدان را نیز نمیکند. و به جای آگاهی دادن به مردم و شناساندن دشمن اصلی به آنها در سالروز والامقام برین شهیدان رسالت خود را در وارونه جلوه دادن حقایق و تهمت زدن به شهید می‌دانند.

اعتراض خانواده‌های شهدای مجاهدین خلق به حملات پیش‌زمانه‌ی رادیو علیه سازمان مجاهدین و شهدای آن

ما خانواده‌های شهدای مجاهدین خلق از گردانندگان این برنامه‌ها سوال می‌کنیم: آیا مجاهدین خان برکف صف ایدئولوژیک داشتند یا کسانی که بهر وسیله‌ی ممکن از جهاد فرار کردند؟ آیا مجاهدین جان برکف صف ایدئولوژیک داشتند یا کسانی که در کج خانه‌هاشان خزیده بودند و مجموعه فعالیت‌های ایدئولوژیک‌شان چیزی جز برداشتن به مسائل فرعی که نازه بجائی هم بر نمی‌خورد بود؟

آیا مجاهدین ضعف ایدئولوژیک داشتند که فریاد الله اکبرشان در روزهای شهادت لرزه بر اندام دشمنان خدا و خلق انداخت یا کسانی که وحشت داشتند حتی نیم‌نگاهی به دشمن میاندارند.

آیا مجاهد شهید محمد حبیف‌نژاد که براسی موجب

افتخار خلقی است ضعف ایدئولوژیک داشت یا ثنائی که جز تهمت و افترا کاری نمی‌دانند؟ بله وقاحت و بیشرمی این عاملان دست بیگانه بجائی رساندند که حتی در سربزار شهیدانمان نیز از هیچ گونه عمل ضد انسانی و ضد خدائی

اها ندارند به ما و فرزندان ما حمله می‌کنند خوب و حقایق راه می‌اندازند. فرزندان ما را دستگیر و زندانی می‌کنند، دیگر می‌دانند ما و فرزندان ما که در شرایط اختناق در زیر سربری درخیمان ساواک مبارزه کردیم و توانستیم مراسم یادبود آن عزیزان را نیز برگزار کنیم. حال نیز از حق چشم پوشی نخواهیم کرد و قادریم سالگرد این مجاهدان کبیر را که برآستی چشم و چراغ این خلق بوده و هستند را گرامی بداریم و راه آنها را ادامه دهیم.

سپار قابل توجه است که می‌بینیم که درست در روزی که بر سر مزار این ستارگان عالم اسلام به ما حمله می‌کنند رادیو تلویزیون نیز به شکلی پیچیده و به ظاهر آراسته بدترین اهانت‌ها و تهمت‌ها را تبار فرزندان شهیدان می‌کند

مطبوعات خارجی چه می‌گویند؟

ایران "کانون جوانان انقلابی منطقه" است. از این رو سنگبری تحولات آن تأثیر قاطعی بر ثبات و یا عدم ثبات منطقه خواهد داشت. علاوه بر این وجود جنبش‌های آزادیبخشی همچون فلسطین، ظفار و... بار کیفی انقلاب منطقه را بالا می‌برد. بوجود آمدن رابطی ننگ‌ننگ‌مان جنبش انقلابی میهن‌مان و نهضت‌های رهایی بخش و نیز خلق‌های منطقه، تهدید علیه امپریالیسم را قوت می‌بخشد و اساساً حضور را در منطقه زیر علامت سؤال قرار می‌دهد. و مسلماً هنگامی که "هارولد براون" وزیر دفاع آمریکا دم از نقش ایران در ثبات منطقه می‌زند، به همین مسائل چشم دارد. اینست که امپریالیسم در طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که تدارک می‌بیند، عمدتاً تلاش خود را برای مقابله با رشد و وحدت نهضت‌های آزادیبخش قرار داده است (طرح ۴ مادیای پنتاگون، طرح ماسکی، قوس دفاعی برزیل و...).

علاوه بر تلاش‌های امپریالیسم، به لحاظ درونی نیز تهدیداتی علیه این شکل و هماهنگی وجود دارد. منجمله می‌توان از دید ناسیونالیستی تنگ نظرای برخی آرزومندان منطقه یاد کرد، که با اصل گرفتن مسائل فرعی و حاشیای، حضور امپریالیسم را در منطقه فراموش نموده و آتش درگیری‌های منطقه‌ای را شعلور می‌کنند. در صورتی که ناسیونالیسم از نقطه نظر انقلابی، تا آنجایی که در خدمت مبارزه‌ی ضد امپریالیستی باشد، جنبه‌ی مترقیانه‌ی خواهد داشت. وجود چنین جوهری در مبارزات کشورهای منطقه کلید رمز وحدت آنها خواهد بود. در آن صورت است که این حلقه‌ها بهم پیوسته و زنجیری انقلابی را در منطقه تشکیل میدهد، که بر خلاف "قوس دفاعی" برزیل، به علت آنکه همه جانبه بر نیروی زوال‌ناپذیر خلق‌ها از چنان صلابتی برخوردار است که نهایتاً "سربوشت محتوم امپریالیسم، یعنی زوال و نفی تاریخی آن را رقم خواهد زد.

حمله‌ی نظامی آمریکا به ایران در حقیقت نبرد علیه عراق است.

از: السفر- چاپ لبنان ۳ مه ۱۹۸۰ (۱۳ اردیبهشت)

- حمله‌ی نظامی آمریکا به ایران، در حقیقت جز اعلام جنگی علیه منابع نفتی منطقه نمی‌باشد.

- چنانچه حکمفرمایان منطقه مسئله را عمیقاً درمی‌یافتند درست می‌انگشیدند، حمله‌ی نظامی آمریکا به ایران را دقیقاً "بورش" به قلب کویت، ابوظبی، عربستان سعودی، بغداد و الحزایر و یا هر منطقه‌ای از مناطق نفت‌خیز عرب می‌دیدند. ولی تلقی اکثر این حکام برخلاف این است و ملت‌های عرب را تنها گذارده‌اند.

- خواست آمریکا در حمله‌ی نظامی به ایران ناشی از یک ضرورت استراتژی است، بلکه انگیزه‌ی آن از شناخت دفعی که نسبت به فعل و انفعالات زندگی وسیعی که بین حریات آزادبخش در ایران و کل منطقه وجود دارد، ناشی می‌شود. عباسی آمریکا با حمله‌ی نظامی به ایران، علیه حامی امت عرب، فلسطین و منابع نفتی منطقه اعلام جنگ می‌کند. و فقط صحنه‌ی درگیری در ایران جریان دارد و هدف آن همگی ما را هم می‌باشد.

"ایران در جنگ با آمریکا تنها نیست"

از: البعث (چاپ دمشق) ۲۸ آوریل ۱۹۸۰

- وظیفه‌ی بافرجام نظامی آمریکا در ایران، ناشی شده است که ایالات متحده‌ی آمریکا به تنها قصد سهاجم به ایران را داشته است، بلکه به این وسیله هدف سهاجمی خود علیه حامی خلق‌های جهان را به اثبات رسانده است.

- قبل از حمله‌ی نظامی آمریکا به ایران، آمریکا اعلام کرده بود که اگر کروگان‌های آمریکایی آزاد نشوند، آمریکا همه‌ی صادر خلیج فارس را به اشغال خود درخواهد آورد.

این تسلط را به چه معنایی می‌توان تفسیر نمود؟

- تمام جهان‌مان می‌داند که هدف مداخله‌ی بافرجام نظامی آمریکا در ایران، حیات کروگان‌هاست، بلکه این گونه اقدامات از هدف‌های تعرضی این کشور نسبت به تمام جهان ناشی می‌شود.

- ایالات متحده‌ی آمریکا به نمایندگی از طرف‌ناری‌های جدید از هرگونه فرصت استفاده به عمل می‌آورد تا دست به اقدامات خصومت‌آمیز بزند.

- ایالات متحده‌ی آمریکا در سوئای که برگزیده است، با تنگت مواخه خواهد شد، و این آزاده‌ی خلق‌های جهان است که سهاجم پیروز خواهد شد. ایران در جنگ (با آمریکا) تنها نیست، بلکه همه‌ی ملت‌هایی که از حق حاکمیت و استقلال خود دفاع می‌کنند، پیروز خواهند شد و صحت درستی که تاریخ به ناری‌ها داد، یازدیگر به اثبات خواهد رسید.

با احترام عمیق به شهاده پيشناز خلق و رهروان راه پر شگوه آنها

و به امید رسوائی این توطئه‌گران در پيشگاه خلق

خانواده‌های شهدا و مجاهدین خلق

خرداد ماه ۵۹

☆☆☆

که مشخص مسئولیت انسان بوده و گردن نهادن به آنها، لازمه‌ی حرکت در مسیر درست و روزه هدف می‌باشد.

لیکن وقتی از محدودی سسی و مادی خارج می‌شویم و به ظلم و وجود گانه‌ی مطلق و محدودی می‌رسیم که دیگر از جزک و اثر پذیری نشانی ندارد. ذاتی اثر ناپذیری- ساز (صمد)، که هیچ‌شاهتی با ما قیام و صادقی حق و تکلیف مطروحه در چار خوب دنیای انسانی ندارد. (ادامه دارد)

بقیه صفحه ۸

در شهرستانها...

گنجیکی و ارم ساسدگی جامعه‌ی وایالات خود را با معاضد اجتماعات گراناسا به کما خواهد اجابت...

محکومیت مجدد دانش‌آموز سبزواری

جدی مثل چیزی دانسم مسی بر آنکه کسی از دانش‌آموزان سبزواری به حکم آقای عمدتوست بازداشت و به ۶ ماه زندان محکوم می‌گردند که به خاطر اعتراض، محکومیت او به ۲ ماه تقلیل پیدا می‌کند اخیراً سبزواری اطلاع حاصل کردند که دانش‌آموزی (محمد ادینی) به علت امتناع از دادن عهده‌ی سسی بر عدم فعالیت هری-سبزی (گاریگا مورکسند) خودس از آزادی، مجدداً محکومیت وی به ۶ ماه افراسی پیدا می‌کند لازم به تذکر است که وی اواخر محکومیت دو ماهه‌ی خود را می‌گذراند است. در ضمن عذات زبانی از دانش‌آموزان سبزواری ضمن استیاسی از حمید ادینی از رئیس آموزش و پرورش خواستار برکناری امتحان آبرو سال حمید در خارج یا حداقل داخل زندان شده‌اند.

آیا این است معنی مخالفت با چماقداری؟

مخروج می‌شوند و حتی جسم برادر محمود بافی‌پور از بین می‌رود و قسمتی از ساختمان تخریب می‌شود از طرف هواداران شکایت نامه هم تقدیم مقامات می‌گردد تا این حال از نظر روزنامه‌ی مذکور منبهم اصلی هواداران مجاهدین هستند. به این می‌گویند مخالفت با چماقداری!

روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در ادامه‌ی فعالیت‌های خود با جنای و چماقداری! موفق شده است که منب کفرخواست شده تن از هواداران مجاهدین خلق را بدست آورده و برای عبرت سایر چماقداران! چاپ کند. اما...

ساختمان انجمن جوانان موحد بهیشتن و هم چنین هواداران مجاهدین خلق در بهیشتن مورد هجوم قرار می‌گیرند در این حمله و هجوم جدیدین نفر از برادران و خواهران مصروب و شدیداً

گلیشه‌ی مقاله‌ی روزنامه‌ی جمهوری اسلامی



امپریالیسم در جستجوی "جانشین" های مطمئن!!

یکی از نتایجی که در کمیسیون سه جانبه (مشکل از آمریکا، اروپای غربی و ژاپن) عاید امپریالیستها گردید، درک وضعیت انقلابی کشورهای تحت سلطه و اجتنابناپذیر بودن انقلاب خلقها بود. از همین رو، آنها سعی می کنند تا با گامبازگشتن "تحول هرج و مرج طلبانه" - البته از دید خودشان - و انتقال آن به "مسیر منظم" (یعنی در واقع، مهار کردن انقلاب، با حرکتهای رفرمیستی و غیرانقلابی) منافع امپریالیسم را در کلیت خود حفظ نموده و مانع خروج کشور مورد نظر از اردوگاه امپریالیستی شوند.

همین دلیل است که همواره به محض روبرو شدن با حرکت انقلابی خلقها، حتی دست به حمایت از نیروها و جریانات نیمه ملی و پانگلیتال هم می زنند تا آنها را در مقابل دیکتاتوری حاکم علم کرده و به اصطلاح، آلتزاتیو مورد نظر خود را جایگزین این رژیمها نمایند. (اگرچه این مسئله به مفهوم عدم استفاده از نیروی نظامی توسط آنها نیست و در صورت لزوم و تکرر شدن عرصه بر آنها، دست به این نوع اقدامات هم خواهند زد).

انگوز هم روند جریانات گره و، و همچنین سایر نقاط ... از اجرای طرح کمیسیون سه جانبه با توجه به شرایط ویژه آنها خبر می دهد، چرا که علیرغم مقاومت توده ها و اقشار مختلف مردم در عدم تسلیم سلاحهای خود و پایداری آنها در جهت مبارزه با ایادی امپریالیسم، می بینیم که چگونه سازشکاران، خود را رهبر قیام معرفی می نمایند تا بلکه حرکتهای مردمی را تحت انقیاد خود درآورده و آنها را به تسلیم سلاحها و ... مجبور نمایند.

ولی شور انقلابی توده ها بالا گرفته است، خصوصا اینکه عامل قهر سیز بدان افزوده شده است و شاید هم ترس از همین مسئله و ... باعث شده تا امپریالیسم، به جنبه های دیگر مسئله، یعنی مداخله مستقیم و نظامی نیز توجه نماید. چنانکه یوآیند پروس از واشنگتن گزارش می دهد که مقامات پنتاگون گفته اند: ایالات متحده موافقت کرده به تعداد نامعلومی از سربازان کره که در خدمت فرماندهی مشترک نیروهای آمریکایی و کره هستند اجازه داده شود تا به کنترل ناسامانیا در کره جنوبی کمک کنند. وزیر دفاع آمریکا نیز گفت: ذخایر جنگی آمریکا برای دو ماه جنگ شدید در کره جنوبی کافی است. "فانتسرو یا اولی الایمار ..."

آوسونیدیرس (۲/۲۷) و تظاهرکنندگان با نگرهای بیس کره جنوبی، به اجتماع زرهی و کامیونهای به غنیمت دانشجویان تظاهرکننده که در برده شده ی ارتش، در داخل یک دانشگاه تشکیل شده حیوانات به تظاهرات مشغولند بود. حمله کرده و ۱۸ تن را نیروهای ارتش برای جلوگیری از گسترش شورش در شهرهای کره جنوبی امشب در سراسر -سرفی شهرهای شورش را سد کرده اند.

آوسونیدیرس (۲/۲۷) شده، هستند. مقامات نظامی کره، نام به علت گرانی در مورد فعالیت های سیاسی از ممنوع کمبود بوداغذایی، انتظار اعلام کردند، دانشگاهها و می رود رهبران! تظاهرکنندگان کالج را سید و سرورهای با مقامات حکومت نظامی در نظامی را سه اطراف مورد عفو و دیگر خواسته های دانشگاهها، دبیرستانها، شان به گفتگو ننشیدند. نامتصابان دولتی، دفاتر در لیست خواسته های روزنامه ها و استگاه رادیو و شان، آزادی دستگیرندگان، لوزیون گسیل داشتند. آوسونیدیرس (۳/۱)، زمین و کشته نندگان، معدرت امروز سوره های صد دولتی به خواهی از اقدامات "سه" خارج از شهر "کوانگجو" نظامیان!! اعلام عمومی گناه گسترش یافت و ۱۶ شهر از ۲۶ دولت به خاطر برپایی شورش، شهر این استان را فراگرفت. ... مطرح شده است، مقامات ساختمان مرکزی بیس، حاکم حکومت نظامی با تعدادی از شده و ارتباطات با شهر سئول این خواسته ها موافقت کرده اند. ساخت کشور قطع کرده است. آوسونیدیرس (۳/۳)

ارسوس حری عجاجد:

در شهرستانها چه می گذرد...؟

انتخابات کرمانشا به گجانی انجامد؟

همچنانکه در گزارشات فلی آمده است، انتخابات مرحله اول مجلس شورای ملی در کرمانشا با آرامش و بالنسبه سالم برگزار شد و مردم توانستند آرای خود را به صندوقها بریزند و در نتیجه کاندیداهای مجاهدین خلق نیز به مرحله دوم راه یافتند. بدینسان آن انحصارطلبانی که جایی برای خود نیافته بودند، تلاشهایی را در جهت بی اعتبار نمودن این نتایج آغاز نموده و از حمله اینکه نهایتا مانع برگزاری دوره دوم انتخابات در تاریخ فروردین است.

مطبوعات خارجی ...

"تضاد منافع... و تضاد منطق"

از: السعیر - چاپ لبنان - باید یاد آوری نمود که مسئله ایران و عراق از مرحله تجزیه و تحلیل فراتر رفته است و در مرحله بحرانی ای قرار دارد، زیرا کنکاش در شناخت هویت و بزرگی اغلا ساریان و سرگرم شدن به این مسئله، باعث گشته است که نسبت به سروضدای ناوهای آمریکایی که در خلیج پهلوی گرفتارند، در بی خبری فرو روم و از صراحت آمریکا به ایران که در حقیقت صراحتی به اعراب می آید، غافل گردیم.

بهتر این است که به جای سرگرم شدن با این مسائل، خود را برای نبرد با آمریکا که در دروازه های ما کسین کرده است، آماده کنیم. زیرا مقابله با آمریکا کسند حل بسیاری از مشکلات موجود میان اعراب و ایران است، و تجربه به ما ثابت نموده است که نبرد مسترک با خطرهای اصلی می تواند بسیاری از خطرهای منطقه ای و فرعی را از سر راه روابط دیپلماتیک بردارد.

در مورد خبر هشتمین

در مورد خبر هشتمین که در مجاهد شماره ۷۲ چاپ شده بود اطلاع یافتیم که خبر صحیح و دقیق نبوده است. در صورت رسیدن خبر درست آن درج خواهیم کرد.

رهبران شورشیان، کوششهای خود را برای جمع آوری سلاحها و جلوگیری از گشته شدن عده دیگری آغاز کرده اند. یکی از آنها گفت: حدود چهار هزار از سلاحهای غارت شده، مجددا جمع آوری شده است. از سوی دیگر مقامات حکومت نظامی ۲۴ تن از زندانیان سیاسی را آزاد کرده اند. خبرگزاری فرانسه (۲/۱) دولت کره جنوبی استعفا کرد. آوسونیدیرس (۳/۳)، کمیته ویژه ای از طرف مقامات دولتی، مأموریت دارد اوضاع شهر "کوانگجو" که به حال اول بازگردانده، به بارماندگان کسانی که کشته شده اند، غرامت پرداخت کند و آسیب دیده ها را مجانا معالجه نماید. انتظار می رود اگر مردم شهر سلاحهای خود را تحویل دهند، امکان سقوط شهر افزایش یابد. یوآیندیرس (۳/۳)، برخلاف اظهارهای مکرر ارتش کره جنوبی به مردم مبنی بر تحویل دادن سلاحهای خود، این سربازان ناظر بر عملیات سنگیندی و برنامه برزیلهای نهایجی دانشجویان هستند. مقاومت مردم کوانگجو، به رهبری دانشجویان عرصه را طوری بر نظامیان سخت کرده که دست به اعمال وحشیانه ای می زنند. احتمال یک توافق ناگهانی و به پایان رسیدن مبارزات در این کشور می رود و این امر طبق اخبار خبرگزاریها، ناچارا جسد بار نزدیک به وقوع بوده است که با هشیاری کمیته دانشجویان خنثی شده است. خبرگزاریها (۳/۴)، دانشجویان مسلح به سلاحهایی که به غنیمت گرفته بودند، مراتب سنگرهای خود هستند. لازم به یادآوریست که مقامات کره جنوبی از آن بیم دارند که مبارزان سعی کنند حدود یک میلیون نفر از مردم فقیر ایالات جولا را به حمایت از مبارزان شهر کوانگجو تشویق کنند.

بودند، با تهدید مبرهم زدن انتخابات و غیره... ماسع برگزاری آن گردیده و بدینال آن وزارت کشور هم اعلام نمود انتخابات کرمانشا در تاریخ ۲/۹ برگزار خواهد شد. اکنون با توجه به موارد فوق ما می پسیم چرا باید مسالهی حیاتی انتخابات توسط عده ای انحصارطلب بازچیه گرفته

دستگیری و ضرب ...

فحشها از ما پذیرائی شد، و عده ای از برادران را شدیداً به یاد کتک گرفتند. در همان حال عده ای دیگر را که غالبا محروح و زخمی بودند به کمیته می آوردند. چند نفری هم در کمیته شهر ری بودند. ما را که مجموعا ۲۴ نفر می شدیم شب در اطراف کوچکی خواباندند. مشکلی که به سختی حای دراز کشیدن بود حتی برای نماز حای ماسی به ما ندادند. صبح عده دیگری را آوردند که شب قبل را در اثر شدت حرارت در بیمارستان گذاشته بودند. برخورد آنها آنچنان حش بود که اسلحه را به سقیه برادران ما گذاشته و در این وضعیت به محوطه کمیته می آوردند. ارحواندن افراد جماعت جلوگیری می کردند از اربار طهر مأمورین کمیته بدون هیچگونه دلیلی به حان ما امضاد و با وسایلی ارفیل فابوخته تندبا ضروریمان کردند. از طرفی بچه ها را بدو ورود برای اعتراض به بازداشت غرقابونی خود از همان ساعات اول دست به اعصاب غذا زدند، و با روحنای سوزار از احسان و عشق به راه خدا و خلق ویا آهنگ برظمین سروزدان در داخل سلول سر می زدند. از طرف دیگر دیوور به دنبال اجتماع حافظاران در مقابل کمیته ۱۴ افراد دستگیر شده بیشتر در معرض خطر قرار گرفتند، زیرا هرکدام از روحی

• یوآیندیرس (۳/۲)، آماده باش سروه های آمریکایی برای سرکوبی مردم در کره تحت نهایجی دولت کره شمالی نشان می دهد که آمریکا با تجربه ای که از ایران بدست آورده است نگران قابلیت ارتش در ایفای نقش خود است. خبرگزاری ناس (۳/۳) برزیستکی معتقد است سروه های ایالات متحده برای سرکوب این شورشا، باید بلافاصله مورد استفاده قرارگیرد.

• یوآیندیرس (۳/۴)، سربازان کره جنوبی، امروز مناطق حومه ای اطراف شهر کوانگجو را تصرف کردند و بر پیشروی خود سوسی اس شهر ساحاسه، ادامه می دهند. • آوسونیدیرس (۳/۵)، سروه های نظامی کره جنوبی، حلقه ای محاصره را بر کرد شهر جنگزده "کوانگجو" تنگتر کرده اند. • رادیو صدای آمریکا (۳/۶)، سروه های دولتی کره جنوبی، پس از ۲ ساعت حمله با وسایل مجهز، کنترل شهر "کوانگجو" را بدست گرفتند.

نود؟ با کدام دلیل قانونی؟ و اینکه تا به کی باید قدارمندان سزوت مردم این شهر را تعیین کنند؟ و این پشت پا زدن به قوانین کشور در روحیه مردم ما چه اثری خواهد گذاشت؟ حری بی اعتمادی، دل سردی، بی تفاوتی و ... سزاحام ارحم بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۳

عده های دستگیر شده که آزاد می کنند تازه تحویل حافظاران می شدند تا با این سز مسئولیت حافظاران و ردالت خود را بر عده ای دیگر را که غالبا محروح و زخمی بودند به کمیته می آوردند. چند نفری هم در کمیته شهر ری بودند. ما را که مجموعا ۲۴ نفر می شدیم شب در اطراف کوچکی خواباندند. مشکلی که به سختی حای دراز کشیدن بود حتی برای نماز حای ماسی به ما ندادند. صبح عده دیگری را آوردند که شب قبل را در اثر شدت حرارت در بیمارستان گذاشته بودند. برخورد آنها آنچنان حش بود که اسلحه را به سقیه برادران ما گذاشته و در این وضعیت به محوطه کمیته می آوردند. ارحواندن افراد جماعت جلوگیری می کردند از اربار طهر مأمورین کمیته بدون هیچگونه دلیلی به حان ما امضاد و با وسایلی ارفیل فابوخته تندبا ضروریمان کردند. از طرفی بچه ها را بدو ورود برای اعتراض به بازداشت غرقابونی خود از همان ساعات اول دست به اعصاب غذا زدند، و با روحنای سوزار از احسان و عشق به راه خدا و خلق ویا آهنگ برظمین سروزدان در داخل سلول سر می زدند. از طرف دیگر دیوور به دنبال اجتماع حافظاران در مقابل کمیته ۱۴ افراد دستگیر شده بیشتر در معرض خطر قرار گرفتند، زیرا هرکدام از روحی

• یوآیندیرس (۳/۲)، آماده باش سروه های آمریکایی برای سرکوبی مردم در کره تحت نهایجی دولت کره شمالی نشان می دهد که آمریکا با تجربه ای که از ایران بدست آورده است نگران قابلیت ارتش در ایفای نقش خود است. خبرگزاری ناس (۳/۳) برزیستکی معتقد است سروه های ایالات متحده برای سرکوب این شورشا، باید بلافاصله مورد استفاده قرارگیرد.

• یوآیندیرس (۳/۴)، سربازان کره جنوبی، امروز مناطق حومه ای اطراف شهر کوانگجو را تصرف کردند و بر پیشروی خود سوسی اس شهر ساحاسه، ادامه می دهند. • آوسونیدیرس (۳/۵)، سروه های نظامی کره جنوبی، حلقه ای محاصره را بر کرد شهر جنگزده "کوانگجو" تنگتر کرده اند. • رادیو صدای آمریکا (۳/۶)، سروه های دولتی کره جنوبی، پس از ۲ ساعت حمله با وسایل مجهز، کنترل شهر "کوانگجو" را بدست گرفتند.

از علاقمندان تقاضای شود که کمکهای مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در پهنج شهران واریز نمایند، و حواله آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶- شماره ۶۴/۱۵۵۱ ارسال دارند.

روزنامه مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
سال اول
آدرس: تهران ۱۶
صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱